

[Afghanistan Digital Library](#)

adl0151

<http://hdl.handle.net/2333.1/jdfn2z75>



This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu

(ج)

۷۶



(هدیه)

(عدد)

کتابخانه

(عدد)

۱۰

مجلس شورای ملی

۱۰

فصل اول

از عهد اول

اطاعت اولی الامر

[از عهد اول]

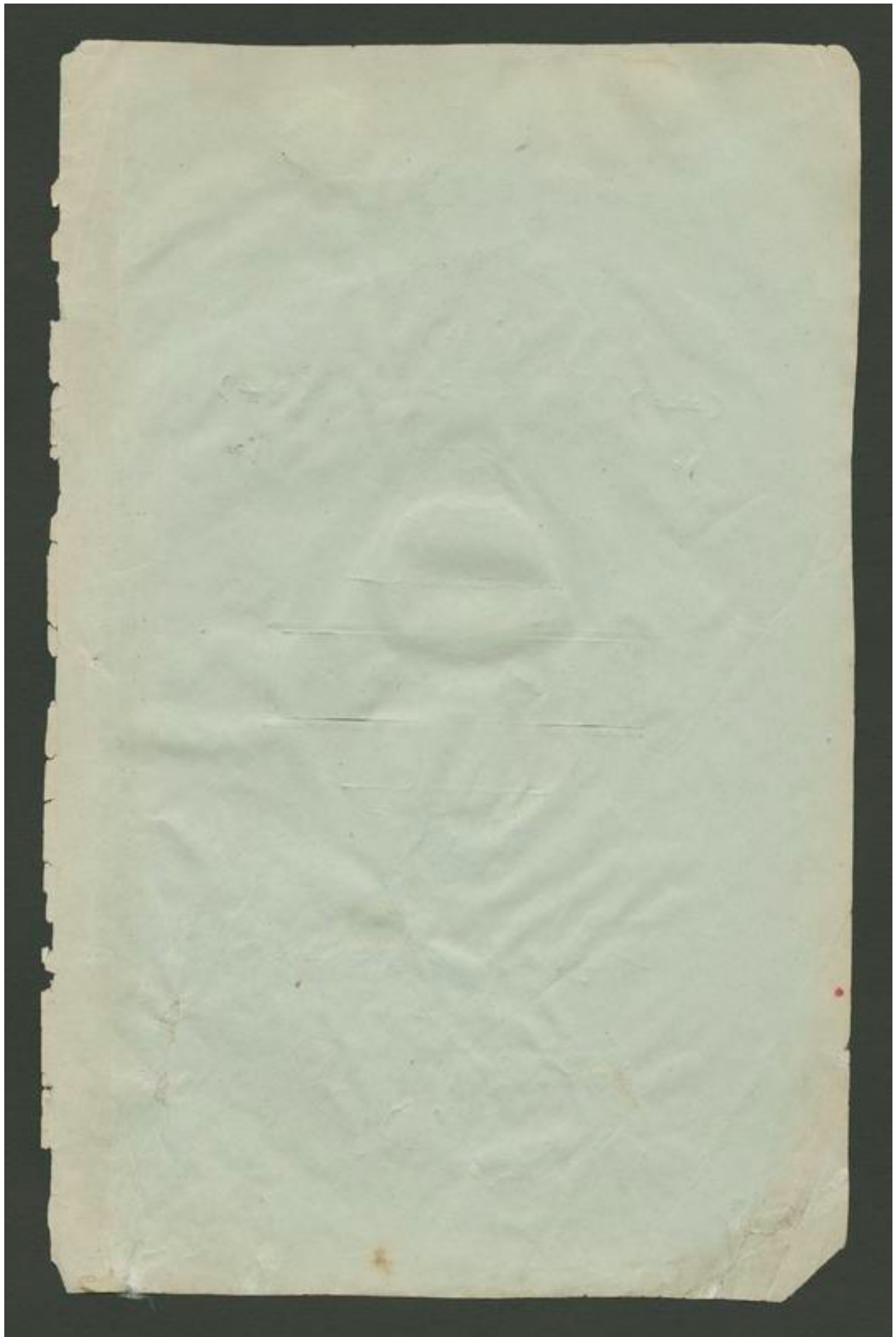
کتابخانه ملی

درمطبعة عنایت بزبور طبع آراسته گردید

سنه

۱۳۳۴

(طبع ثانی)





(هدیہ)

(عدد)

کتابخانه

(عدد)

۱۰

مجلس شورای ملی
عزیز

۱۰

اطاعت اولی الامر

کتابخانه

درمطبعه عنایت بزبور طبع آراسته گردید

سنه

۱۳۳۴

(طبع ثانی)

(۲)

بسم الله الرحمن الرحيم

— افاده مرام —

این امر از بدیهیات و غیر محتاج تفکر است که چون اراده ازلی حضرت الهی جل جلاله بترقی حالت ملتی متعلق گردد، جمیع ارادات افراد ملت را بیکطرف متوجه ساخته و شقاق و نفاق را از حقیقت بواطن شان مرفوع و مدفوع گردانیده همگی افراد ملت متفق اللفظ و المعنی در ترقی دین و دنیا ساعی و جاهد بوده یکی در تحصیل مقصد آند بیکر کوشیده و هر فرد مقصد برادر مسلمان خود را مقصد و مراد خود دانسته تا اینکه مقاصد همگنان همان یک گردیده یک اتحاد ذاتی و اتفاق حقیقی بروز میکنند که در عین کثرت افراد ملت بیکو حدتی ملاحظه میشود و نتیجه آن سعادت دارین بوده در مملکت صغیر فوائد کثیره مادی و معنوی حاصل میگردد و ترقیات فوق العاده در مدت قلیل نمایان میشود که در ممالك وسیعه کبیره که ازین سعادت اتحاد و اتفاق محروم باشند در مدت های بسیار همچنان نتایج حسنه ظهور نموده نمیتواند .

و این سعادت اتفاق و اتحاد از چه حاصل میشود معلوم است که علت اصلی آن (اتحاد مقصد است) که اگر مقصد جمیع افراد ملت

(۳)

ترقی دین باشد دین شان ترقی میکند و اگر برقی دنیا متفقاً متوجه
 گردند دنیای شان ترقی میکند و تحصیل این مطلب اعلی و مقصد
 اقصای (اتحاد مقصد) که مایه سعادت دارین و ترقی کونین است در
 اطاعت و اتباع فرد اول و رکن اکمل دین و دولت و روح و
 روان رعیت که وجود باجود خلیفه زمان و سایه حضرت
 رحیم رحمن است انحصار دارد و بجز این امکان حصول ندارد -
 زیرا که چون اراده ازلی برین رفته است که در هر وقت و هر زمان
 بندگان خود را بنی و جود انبیا و رسولان بر حق براه راست
 نیاورده و هدایت و ارشادشان را بذریعه انبیای زمان حاصل داشته
 و بعد از ختم نبوت خلفای راشدین را جانشین پیغمبر مقرر فرموده
 و همان وظیفه مقدسه هدایت و ارشاد عباد را بر دوش ایشان گذاشته
 و بسند از زمان خلافت راشدین حقوق خلافت را شده را بر ذمه
 سلاطین اسلام وضع فرموده تا زمانیکه مسلمانان اطاعت و محبت
 خلفای اسلام را حرز جان می دانستند دین و دنیای شان ترقی
 و تعالی نموده سلطنت اسلامی به علو شان و ترقی و وسعت نمایان
 رسید و از آن زمان باز که مطلب اعلای (اتحاد مقصد) بر طرف
 گشته و مقاصد مسلمانان از یکدیگر متغایر گردیده واضح و لایح
 است که حالت اسلام و سلطنت اسلامی نیز رو به تنزل و تسفل
 داشته است .

بناءً علی هذا ما ملت افغان را که و الحمد لله والمثی یکدین و یک
 مذهب و یکپادشاه دینپناه داریم و بجمیت ذاتی و شجاعت فطری
 متصف میباشیم - و مقصد پادشاه و رعیت و جمیع افراد مملکت ما
 یک است و از مراحم ایزدی و تفضلات صمدی بر عینی شهر یار دین

(٤)

دارم مراحم شعار (اعلیحضرت سراج المسلة والدين) افتخار داریم
و رضای خداوند تعالی و تقدس — و پیغمبر مقدس علیه الصلوة
والسلام را در رضا و اطاعت پادشاه خود بحکم دین و ایمان خود
منحصراً میدانیم و افنای روح و روان خود را در اطاعت اولی
الامر فرض ذمت و لازم همت دانسته و میدانیم و از همین عطیة
کبرای الهی که (اتحاد مقصد) پادشاه ورعیت است امیدوار
ترقیات فوق العادة دین و دنیا بوده و میباشیم •
فرض ذمت ما رعایاست که شکرانه این نعمت عظمی را بحجا
آورده و دوام این سعادت را از حضرت فیاض مطلق جل جلاله
بصد نیاز مسئلت نمائیم)

یارب این نعمت که ما را داده در تزیید دار تا یوم القیام
و علاوه از ادای شکرانه الهی توجه تام بداریم که در باب
اتحاد و اتفاق همدیگر کوشان باشیم و او امر الهیه و ارشادات نبویه
را که مدار سعادت ماست در باب اتحاد و اتفاق و اطاعت و محبت
خلیفه زمان و شهر یار دوران همواره مد نظر خود داشته باشیم که
خدای زمین و آسمان و پیغمبر انس و جان و امامان دین و ایمان
و مقتدایان مادرین باب چه فرموده و برای رفقا و مسلمانان افغان
درین جزو زمان چه دستور العمل عطا فرموده شده است درین
اوراق بعض اوامر الهیه و سنن نبویه و اعمال و اقوال ائمه دین مبین را
که تعلیم و تعلم آن برای اولاد وطن مقدس و باقی افراد رعایا ضروری
بود تحریر شده در (مطبعة عنایت) که از مراحم معارف پروری همت
عالی نهیت حضرت شهزاده عالی متعالی جناب معین السلطنة صاحب
افخم ابقاء الله تعالی تأسیس یافته است هزاران هزار بطبع رسیده در

(۵)

مدارس دولت مفت و رایگان تقسیم و توزیع فرموده و میفرمایند —

الله تعالی و تقدس عامه افراد افغان را توفیق عطا فرماید تا این

اوامر سنیه را بگوش هوش شنیده و بر طبق آن عمل فرمایند —

(انه قریب مجیب) آمین یا رب العلمین

[المؤلف]

﴿ حقیر عبد الرب عفی الله عنه ﴾

— § —



(٦)

﴿ هو الله الموفق ﴾



﴿ اطاعت اولی الامر ﴾

﴿ (١) آیات کلام الهی - ﴾

يا ايها الذين امنوا اطيعوا الله واطيعوا الرسول و اولى الامر
منكم فان تنازعتم في شئ فردوه الى الله والرسول ان كنتم تؤمنون
بالله واليوم الآخر ذلك خير واحسن تأويلا .

(سورة نساء باره ٥)

يعنى اى صاحبان ايمان اطاعت خدا و رسول و اميران خود را بر خود
لازم گريد - و در امريكه يكجا ديگر نزاع و خلاف بنمائيد
بامر خدا و رسول مراجعه كنيد اگر ايمان بخدا بتمعالى و روز
آخرت داشته باشيد و اين همه ارشاد الهى براى شما خير و موجب
انجام نيك است .

(V)

— احادیث نبوی —

(۲)

عن ابیهریره رضی الله عنه قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم
من اطاعنی فقد اطاع الله ومن عصانی فقد عصی الله ومن یطع
الامیر فقد اطاعنی ومن یعصی الامیر فقد عصانی وانما الامام جنة
یقاتل من ورائه یتقی به —

(صحیح بخاری و صحیح مسلم)

یعنی حضرت ابوهریره که یکی از اجداد اصحاب حضرت
رسالتآب علیه الصلوٰۃ والسلام است روایت نمود که آنحضرت
فرموده است کسیکه اطاعت نمود مرا اطاعت کرد خدا را و کسیکه
نافرمانی نمود مرا نافرمانی کرد خدا را و شخصیکه اطاعت نماید
امیر را اطاعت کرد مرا و آنکه نافرمانی ورزد امیر را عصیان
ورزید مرا و پادشاه سپر است که در عقب وی کارزار کرده میشود
و نگهداری نیز بوی نموده میشود — یعنی مقاتله و مغلوبی اعدا
و حفظ و نگهداری رعایا هر دو منحصر در وجود پادشاه است —
(ازین ارشاد نبوی باین نتیجه رسیدیم که مقاتله با اعدا بدون
متابعت و امر پادشاه مخالف او امر پیغمبر است) •

(عن ام الحصین رضی الله عنها قالت قال رسول الله صلی الله علیه
وسلم ان امر علیکم عبد مجدع یقودکم بکتاب الله فاسمعوا له واطیعوا •
(صحیح مسلم)

یعنی حضرت ام الحصین رض که یکی از زنان صحابیات حضرت
رسالتآب و راوی بسی از احادیث شریفه میباشد میفرماید که
آنحضرت علیه الصلوٰۃ والسلام فرمود اگر غلام گوش و بینی پریده
بر شما امیر گردد که بحکم کتاب خدا یتعالی اداره امور شما را

(۸)

میناید پس قبول امر او و اطاعت او بر شما لازم و واجب است .
 (عن انس رضی الله عنه ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال
 اسمعوا واطيعوا وان استعمل عليكم عبد حبشی كان رأسه زبينة : —
 (صحیح بخاری)

یعنی حضرت انس بن مالک رض که خادم حضور حضرت
 رسالتآب بوده است فرمود که حضرت رسول مقبول علیه
 الصلوة والسلام فرمود قبول امر و اطاعت را بر خود لازم شمارید
 اگر چه حامل شما غلام حبشی باشد که سر او مانند دانه مویری
 بوده باشد — مراد این است که حامل خلیفه مانند خود خلیفه
 لازم اطاعت است و مراد از خوردی سر نقصان عقل حامل است
 که بقرار ارشاد حضرت خیر العباد نقصان حامل خلیفه موجب
 عدم اطاعت او باشد — بلکه عدم اطاعت حامل موجب
 عدم اطاعت خلیفه میگردد —

(عن ابی هريرة رضي الله تعالى عنه قال سمعت رسول الله صل الله تعالى
 عليه وسلم يقول (من خرج من الطاعة فمات ميتة جاهلية ومن قاتل
 تحت راية عمية و يفضب لمصيبة فقتل فقتله جاهلية ومن خرج على
 امتي بسيفه يضرب برها و فاجرها ولا يتحاشى من مؤمنها ولا يفي لذي
 عهد عهده فليس مني و لست منهم) —

(صحیح مسلم)

یعنی حضرت ابو هریره رض فرموده است که ازان حضرت
 علیه الصلوة والسلام شنیدم که میفرمودند کسیکه از اطاعت پادشاه
 خارج گشت و در آن حالت مرد مرگ او مرگ جاهلیت است که
 احکام مسلمانی بر وی جاری نمیکردد و کسیکه زیر بیرق ناهلوم (یعنی

(۹)

بیرقیکه حقیقت و حقیقت آن معلوم نباشد) مقاتله کند و برای تعصب قومی بغضب شده مقتول گردد — قتل او نیز بقسم جاهلیت است — و شخصیکه بر امت من شمشیر خود را کشیده نیکو کار و بدکار آنرا یکسان بزند و از مؤمن امت من کناره جوئی ننماید و با صاحب عهدی وفای عهد ننماید پس اینچنین اشخاص نه از من اند و نه من از ایشانم — هرگاه بنظر بصیرت این او امر سنییه و این ارشادات نافعه که درین حدیث شریف حضرت فخر النبیین و رودیافته است دیده و ملاحظه شود بر ظاهر میگردد که اصول اصلاحات کایه دران مندرج بوده اجمال او امر آن بقرار ذیل است : —

(۱) سرک اشخاص باغی سرک جاهلیت است —

(۲) کسانیکه در یک امر نامعلوم و خیال خامی بپادشاه زمان مقاتله کنند و زیر بیرق فساد و فتنه اجتماع بنمایند و کشته شوند کشته آنان از جاهلیت است نه شهادت .

(۳) کسانیکه بسبب تعصبات قومی و دشمنیها و کینه های داخلی بغضب آمده یکدیگر خود را میکشند و برخلاف او امیر پادشاه درین خود هافساد و فتنه برپا میدارند قتل آنان از جاهلیت است نه قتل شهادت .

(۴) کسیکه بکشت و خون راغب میگردد — و نیک و بد مسلمانان را یکسان میکشد و وفای عهد نداشته باشد اینهمه امور موجب عدم رضا و یزاری حضرت پیغمبر (ص) سید البشر ما است — که از حضرت فیاض مطلق نجات قوم و اولاد وطن خود را از ان خواستگاریم آمین .

عن عوف بن مالک (ن) الا شعبی رضی الله تعالی عنه قال خیار

اثنکم الذین تحبونهم و یحبونکم و یصلون علیهم و یصلون علیکم و شرار اثنکم الذین یتغضونهم و یتغضونکم و تلعنونهم و یلعنوکم قال قلنا

(۱۰)

یا رسول الله افلا تنابذهم عند ذلك قال لا ما اقاموا فيكم الصلوة — لا ما
اقاموا فيكم الصلوة الا من ولى عليه وال فرآه يأتى شيئا من معصية الله
فليكره ما يأتى من معصية الله ولا يزعن يداه من طاعة
(صحیح مسلم)

یعنی حضرت عوف بن مالک اشجعی صحابی حضرت رسول مقبول
علیه الصلوة والسلام فرموده است که بهترین پادشاهان شما آنانند که
شما ایشان را دوست داشته باشید و ایشان شما را دوست داشته باشند —
و شما داعی و مباح ایشان باشید و ایشان داعی و مباح شما و بدترین پادشا
هان شما آنانند که شما آنان را مغرض بنمایید — و آنها شما را مغضوب
کننده و بدگوی آنان باشند و آنها از شما — حضرت عوف که راوی
حدیث است میگوید که ما بان جماعه حاضرین اصحاب بحضور حضرت
رسالت مآب معروض داشتیم که اگر پادشاهان ما از قسم دوم باشند آیا
پادشاهی آنان باقی میماند و آیا ما با ایشان معارضه ننماییم و اطاعت ایشان
را از کردن خود هائیف کنیم آنحضرت علیه الصلوة والسلام بشدت
تمام فرمود که تا زمانیکه در بین شما تازیان پادارند و از نماز انکار نکنند
هرگز معارضه ایشان را روا ندارید — هرگز معارضه ایشان را روا
مدارید و تکرار این فقره برای تاکید است بعد از آن چنین ارشاد فرمود
که آگاه باشید ای امت مرا حومه باینکه شخصیکه در تحت حکومت
و ولایت والی باشد و معصیتی را از معاصی خدای تعالی از والی خود
به بیند پس لازم است که همان معصیت را در دل مکروه بنماید — اما
هرگز دست را از اطاعت والی باز نکشد —

از مفاد سر اسر رسد این حدیث مبارک

نتایج ذیل حاصل میشود —

(۱) اینکه امیران مسلمانان نیک و بد میباشند و بهترین پادشاهان آنها

(۱۱)

نزد که ایشان از رعیت راضی باشند و رعیت از ایشان و بدترین پادشاهان برعکس میباشد .

(۲) اینکه اگر پادشاه مسلمانان خدا را خواسته مبعوض قوم بگردد و قوم مبعوض پادشاه شود پس تا وقتی که آثار اسلام مانند برپا داشتن نماز و غیره شعایر اسلام را ترک ننموده باشد رعایا را با وجود مبعوضیت طرفین اطاعت پادشاه لازم و واجب است و مبعوضیت و عدم رضا از پادشاه بهیچ گونه مجوز نافرمانی نیست .

(۳) اینکه از افراد رعیه از والی و پادشاه خود ارتکاب معصیتی را از معاصی خدای تعالی معاینه دارند پس بقرار امر پیغمبر لازم است که همان معصیت را در دل مکروه بنداشته از درگاه خداوند جل شانیه سوال نمایند که همان معصیت بطاعت مبدل گردد و بسبب دیدن معصیت هرگز از اطاعت دست نکشند که دیدن معصیت عذر عدم اطاعت نمیتواند شد .
(عن عبدالله بن عمر رضی الله تعالی عنهما قال سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم یقول من خلع یدامن طاعة لقی الله یوم القیامة ولا حجة له — ومن مات ولیس فی عنقه بیعة مات میتة جاهلیة)
(صحیح مسلم)

یعنی حضرت عبدالله بن امیر المؤمنین عمر ابن الخطاب رض فرموده است که از آنحضرت علیه الصلوة والسلام شنیدم که میفرمودند کسی که دست را اطاعت و فرمان برداری کشید در روز قیامت با خدای تعالی ملاقی میشود و هیچ حجت و سند نجات برای او موجود نخواهد بود — و شخصیکه بمرتد و در گردن او بیعتی نباشد این مرتکب او از جاهلیت است .
﴿ مقاد حدیث مبارک ﴾

(۱) اینکه دست کشیدن از اطاعت پادشاه زمان موجب باطل گشتن

(۱۲)

جميع دلائل نجات اخروی مؤمن است یعنی اگر دلائل بسیاری از عبادات برای نجات اخروی داشته باشد و در اطاعتش خلل راه یابد این درد بیدرمان همگی را باطل میسازد (الله تبارک و تعالی قوم و رعیه افغانستان را ازین مصیبت نجات بخشد)

(۲) اینکه اشخا صیبه دریاغستان بود و پادشاه مسلمانان بیعت نکرده اند و در کردن ایشان قلا ده اطاعت پادشاه مسلمان نیست مرک همگنان مرک جاهلیت است .
الحمد لله هزاران هزار شکر مر حضرت منعم حقیقی راست که ملت افغان از قوم خود پادشاه مسلمان دیندار دارند - و از مرک جاهلیت برطرف میباشند .

عن عریفة رضی الله تعالی عنه قال سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم یقول انه ستكون هنات وهنات فمن اراد ان یفرق امر هذه الامة وهی جمیع فاضربوه بالسیف کاینما من کان -
(صحیح مسلم)

یعنی حضرت عریفة صحابی رض میفرماید که از حضرت رسالت مآب علیه الصلوة والسلام شنیدم که میفرمود زود است که فساد هاو شرور زیادی واقع گردد - پس کسیکه اراده کند تفریق امر امت را در حالیکه امت جمع و متفق باشد بشمشیر بزنید و بکشید آن تفریق دهند راهر کسیکه باشد .

مفاد حدیث مبارک

(۱) معجزه ظاهره آنحضرت (ص) ازین حدیث ثابت میشود که بوقوع شرور و فسادات و نزاع در امر خلافت قبل از وقت آن خبر داده اند و هدایت اصحاب و باقی مسلمانان را فرموده اند .

(۱۳)

(۲) اینکه تفریق دهنده امر امت بعد از آنکه بر شخصی اجتماع شان حاصل گردد هر که باشد لازم القتل است - و مراد این است که اگر شخصی مدعی فضیلت باشد و باعث و موجب تحریک قتنه گردد و در اجتماع مسلما نان خلل افکنند همان شخص با وجود فضیلتش واجب القتل است زیرا که تصریحات او امر شرعی و هدایات نبویه مقتضی بقای امن و امان و دفع فساد و قتنه میباشد و تحریک قتنه اگر چه فرضاً برای نتیجه نیک باشد بحکم شرع انور ممنوع و محرک آن واجب القتل است .

(و عنه قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول من اتاكم وامركم جميع على رجل واحد يريد ان يشق عصاكم او يفرق جماعتكم فاقتلوه .)
(صحیح مسلم)

یعنی و نیز حضرت عریفه (رض) که راوی حدیث سابق است فرموده است که شنیدم از حضرت رسول مقبول علیه الصلوة والسلام که میفرمودند - چون امارت شمار مردی قرار یافته باشد و اجتماع شما یان حاصل باشد پس هر که اراده خلل اندازی در اتفاق شما یان بنماید یا تفریق دهد جماعت شمارا بکشید او را .

(عن عبد الله بن عمر رضي الله تعالى عنهما قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من بايع اما ما فاعطاء صفقة يده و ثمرة فؤاده فليطعمه ان استطاع فان جاء آخر ينازعه فاضربوا عنق الآخر)

(صحیح مسلم)

یعنی حضرت عبد الله بن عمر فاروق رضي الله تعالى عنهما روایت نموده است که آنحضرت علیه الصلوة والسلام فرمودند کسی که بیعت کرد با پادشاهی و پیمان دست و ثمرة دل خود را بوی داد پس لازم است که تا وقت وجود قدرت و استطاعت در اطاعت او قصور ننماید - و اگر

دیگری آمده باید شاه . موجود منازعه کنند کردن آن دیگر را بنزید .
(عن ابن عمر رضی الله تعالی عنهما ان النبی صلی الله تعالی علیه وسلم قال
ان السلطان ظل الله فی الارض یاوی الیه کل مظلوم من عباده فاذا عدل
کان له الاجر وعلى الرعية الشکر واذا جار کان علیه الاصر
وعلى الرعية الصبر) .

یعنی از حضرت عبدالله بن عمر فاروق رضی الله تعالی عنهما روایت
شده است که آنحضرت علیه الصلوة والسلام فرمود پادشاه سایه خدای
تعالی است در زمین که هرستم دیده و ظلم کشیده از بندگان او تعالی بوی
رجوع میکند و بداد خواهی نزد وی . می رود اگر عدل کند او را اجر
ثابت و بر رعیت شکر لازم است و چون جور و ستم نماید بر وی بار گناه لازم
و بر رعیت صبر واجب .

(عن یونس بن اسحاق عن ابيه قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم
کما تکنون کذلک یؤمر علیکم) .

یعنی یونس بن اسحاق تابعی از حضرت پدر بزرگوار خود که صحابی
حضرت رسول . مقبول علیه الصلوة والسلام است روایت نموده که آنحضرت
(ص) فرمود چنانچه بوده باشید همچنان امیر و حاکم بر شما مسلط . بگردد
یعنی خوبی و بدی حاکم بر وفق اعمال رعایا است و بهمین مضمون در جای
دیگر ثابت شده است که اعمالکم عمالکم یعنی عملهای شما عاملان شما است و
و تفصیل این خطاب در حدیث آینده بخوبی مذکور است .

عن ابی درداء رضی الله تعالی عنه قال قال رسول الله صلی الله تعالی
علیه وسلم - ان الله تعالی یقول انا الله لا اله الا انا مالک الملوک و ملک الملوک
قلوب الملوک فی یدی و ان العباد اذا اطاعونی حولت قلوب ملوکهم علیهم
بالرحمة والرأفة و ان العباد اذا عصونی حولت قلوبهم بالسخطة والنقمة

(۱۵)

فما مومهم سوء العذاب فلا تشغلوا انفسكم بالدعاء على الملوك ولكن اشغلوا
انفسكم بالذكر والتضرع كي اكفبكم ملوككم .

(ابو نعیم در کتاب حلیۃ الاولیا)

یعنی حضرت ابودردای صحابی رضی الله تعالی عنه روایت نموده است
که آنحضرت علیه الصلوٰۃ والسلام فرمود که الله تبارک و تعالی میفرماید
« منم خدای برحق که نیست هیچ معبود برحق بجز من مالک پادشاهانم
و پادشاه پادشاهان دلهای پادشاهان در دست تصرف من است چون
بندکان من اطاعت ورزند مرا دلهای پادشاهان شان را برایشان نرم
و مهر بان میگردانم — و چون بندکان عصیان ورزند مرا دلهای
پادشاهان شان را بقر و عذاب رسانم متبدل میسازم که ایشان را
بعذاب شدید معذب دارند و چون این همه امور مخصوص اراده و فر
مان من است پس هرگز خود را به بد گفتن پادشاهان خود مشغول مساز
زید لیکن چون از ایشان جور و ستم بینید خود هارا بذكر و تضرع
وزاری بدرگاه من مشغول سازید تا کفایت شمار از پادشاهان شما بنمایم .

این حدیث (حدیث قدسی است)

که عبارت و لفظ آن از حضرت رسول مقبول و مضمون آن از
حضرت الله تعالی و تقدس است و حضرت رسول مقبول حکایت آن
را بزبان هدایت ترجمان خود فرموده مسلما نان کامل العقیده افغان
دستور العمل کافی و شافی است که اختیار جمیع امور از حضرت حق تعالی
است خوبی و بدی — بالادستان مربوط حسن عمل و سوء عمل زیر
دستان است الله تعالی اعمال ما را خوب و بر شریعت مظهره مطابق
داشته باشد تا مواءه از مراحم شهریار خود مشغول عواطف خسر
وانه بوده باشیم .

(۱۶)

(عن عبادة بن الصامت رضى الله تعالى عنه قال بايعنا رسول الله صلى الله عليه وسلم على السمع والطاعة في العسر واليسر والمنشط والمكره وعلى اثرة علينا وعلى ان نقول بالحق ايما كنا لا نخاف في الله لومة لائم وعلى ان لا ننزع الامر اياه الا ان تروا كفراً بواحاً عندكم من الله فيه برهان —

(صحيح بخارى و صحيح مسلم)

يعنى حضرت عباده بن صامت صحابی (رض) فرموده است که ما باین جماعه اصحاب (رض) با حضرت رسول مقبول علیه الصلوٰۃ والسلام بر امور ذیل بیعت نموده ایم —

قبول امر و اطاعت در دشواری و آسانی و حالت نشاط و عدم نشاط —

قبول برگزیدن دیگری بر ما بحکومت و غیره

کفتار راست در هر جا که باشیم — و در اطاعت امر خدایتعالی از

ملامت هیچ ملامت کننده خوف ننماییم —

نزاع نمودن در امارت با اهل آن مگر اینکه کفر ظاهر که نزد خدایتعالی حجت و سند عدم اطاعت شده بتواند از وی نمایان و آشکارا دیده شود نعوذ بالله منها .

این حدیث مبارک که باوجود قلت الفاظ شامل کلیات امور سیاست مدنی و حاوی اصول حقوق پادشاه و رعیه میباشد کیفیت بیعت رعایای مسلمانان را با پادشاه مسلمان بقرار ذیل ارشاد فرموده است —

(۱) قبول امر و اطاعت در وقت دشواری و آسانی و رضا و عدم

رضایعنی رعایا در امر دشوار و آسان و مطابق خیال و مخالف آن یکسان

اطاعت بنمایند —

(۲) اگر پادشاه بحق از حقوق بعض افراد رعیه را مخصوص گرداند

(۱۷)

و بعض را محروم — یا بعض افراد را بر بعض دیگر حاکم و بالا دست مقرر دارد همان افراد زیر دست بقرار امر پیغمبر حق شکوه را ندارند بلکه قبول امر و اطاعت برای رعایا لازم است .

(۳) راست کرداری و راست گفتاری در هر جا و هر زمان لازم رعایا است که در امری که حق خدایتعالی باشد از هیچ کس خوف نکرده و بعلامت ملامت کنندگان بآنک نشمرده راستی را پیشه خود گیرند و حقوق پادشاه را بر راستی تأدیه نمایند و از کذب و فریب و حيله و غدر بپادشاه و در بین خود اجتناب تام لازم شمارند —

(۴) در امارت با اهل آن هیچ نزاع و خلاف روا ندارند و تازمانیکه خلیفه مسلمانان مسلمان باشد و کفر صریح ظاهر که هیچ شك و شبهه را در آن راه نباشد از خلیفه ظاهر نکرده تا آنوقت خلیفه زمان مطاع الامر و لازم الاتباع است و نزاع کننده و محرک قتنه لازم القتل است —

و باین نکته توجه مسلمانان لازم است که درین حدیث مبارک که ارشاد حضرت خیرالعباد (ص) و موجب اصلاح حالت جمیع افراد و رافع قتنه و فساد است در باب عدم نزاع در امارت تا کیدات زیاده و رودیافته است — و باعجاز نبوی این امر قبل از وقوع دانسته شده است که بعض افراد رعیه بتقاضای نفس با امرای زمان خود نزاع خواهند کرد و بهانه نزاع آنان نسبت کفر و ظلم و غیره خواهد بود — فی این بهانه موجب تحریک فساد و قتنه است — و حضرت هادی صراط مستقیم و بانی شرع قویم علیه الصلوٰة و التسلیم ازین گونه مفاسد افراد امت را تأقیام قیامت ممنوع فرموده و حفظ قواعد اسلام را باطاعت اولی الامر و اتفاق و اتحاد و بازو داری افراد امت مربوط گردانیده و چنین ارشاد فرموده است که تازمانیکه پادشاه مسلمانان مسلمان باشد و منکر

اصول اسلام نگردد واجب الاطاعت و لازم الاتباع است مگر درصورتیکه حکومت مسلمانان بکافری تکیه کند یا حاکم مسلمانان بخذلان شیطان کفر را اختیار کند (نمود بالله) و از اصول اسلام انکار نماید و کفر او ظاهر و آشکار باشد که تاویل و بهانه و حیل را در آن راه نباشد در آن صورت افراد رعیه مسلمان را صبر بر اطاعت و زیردستی کافر موجب عدم رضای حضرت پیغمبر و باعث تباهی اعمال حسنه و غیرت اسلامیست .

سبحان الله !!!

چگونه پیغمبر صادق و خیر خواه موافق که ارشادات او همگی موجب سعادت دنیا و عقبای ما است از انعامات الهی برای ما عطا و احسان شده است و بشرف امت بودن و افتخار یافته ایم و ما مسلمانان بکدام حد و اندازه در ادای حقوق دینی و عمل بمقتضیات اوامر نبویه تفریط و تقصیر نموده ایم که در خدمت دین و دولت خود بهانه جوئی میکنیم - کسانیکه مسلمانان و در امت حضرت سید الانام علیه الصلوة والسلام محسوبند و از شومی اعمال و غفلت از ارشادات و هدایات حضرت رسول بر کمال علیه الصلوة والسلام زیر تسلط ملت غیر درآمده و دین و ناموس شان در محل خطر است در اطاعت حکام غیر دین خود کوشش میورزند و به بهانه های نفسانی و تسویلات شیطانی اطاعت ملت غیر را برای خود موجب نجات تصور کرده اند !!! و کفر حقیقی و شرک ظاهری ! و نصرا نیت بدیهی ! حکام ایشان موجب نزاع رعیه و حکام نمیگردند - ما مسلمانان افغان که بحمد الله و المنة دعوی غیرت دینی و قومی و فطری را داشته و داریم و دل داده محبت و اطاعت حضرت رسول انام علیه الصلوة والسلام و خدام و چاکران صمیمی دین متین اسلام بوده و

(۱۹)

میباشیم و زیر دستى ملت غیر را مخالف و ضدایمان و اسلام خود دانسته
 بار بار قوم و ناموس خودهارا از تسلط ملت غیر بحکم دین و ایمان بتوفیق
 ایزدمنان محفوظ داشته ایم — و صغیر و کبیر و برناویر ما بضاعت دین روح
 و روان خود کفیل حفظ دین و ناموس بوده هستى خود را با محکومیت
 غیر ملت موجب خسران دین و دنیا و محرومیت از رضای حضرت محمد
 مصطفی (ص) و موجب نزول غضب الله تعالى دانسته و میداند —
 پس با وجود اتصاف ما با پنجین صفات فاضله که خویش و بیگانه
 الحمد لله و المنه اقرار و اظهار آن را کرده و میکنند — چگونه در اطاعت
 و محبت و خدمت پادشاه مسلمان بادیانت خود که به نیت صادق و اعتقاد
 موافق و عبادات لایق متصف است وجود خودهارا محو و نابود نسازیم —
 و رضای پادشاه خود وسیع در اطاعت و فرمان برداری او را چرای
 حصول رضای صاحب دین متین و ترقی شرع مبین و ابطال اراده
 باطله اعدای دین و ناکامی تدابیر مفسدین اخوان الشیاطین بالیقین
 حاصل نداریم — خدایا کریمما کردگار توفیق و هدایت و ارشاد نصیب
 ملت و پادشاه افغان بدارت با طبق رضایت و بر وفق او امر رسول بر حقت
 در خدمت دین و دولت صرف همت و غیرت بنمایند (این دعا از من
 و از فوج ملک آمین باد)



(۲۰)

❦ ۳ ❦

فی بعض الكتب .

این آدم تدعو علی من ظلمك ویدعوا عليك من ظلمته فان شئت
اجبتاك واجبتا عليك وان شئت اخرنا الامر الى يوم القيمة
فیسمکم العفو .

یعنی در بعض کتب سماوی ورود یافته است که الله تعالی با انسان
خطاب نموده میفرماید .

ای ابن آدم دعای بد مینمائی بر آنکه بر تو ظلم نموده است و از من داد
میخواهی و در همین حالت بر خودت نیز مظلوم دیگری که ستم دیده است
دعای بد میکند و داد خود را از من میطلبد پس اگر خواهی دعای
هر دورا قبول فرموده داد او را از تو و داد ترا از ظالم می ستانم و اگر
خواهی قبول دعای هر دورا بر روز قیامت میگذارم تا عفو واسع من
همه کتارا در بر گیرد .

از تخیذ قدسی واضح میگردد که هر ستم و جور که انسان از
بالادست خود می بیند در همان حالت خودوی بر زیر دست خود ظلم
و ستم روا داشته عدالت الهی موجب این میگردد که بالادست وی
نیز بروی ظلم و ستم بنماید —

بنابر آن عاقل منصف را لازم است که حقوق زیردستان خود را ضایع
نموده و از ستم بالادست شکوه نکند و علاج اصلی آنرا برضای زیر
دست خود بنماید —

(۲۱)

(قال عبیده السلما فی لعلی رضی الله تعالی عنه یا امیر المؤمنین مابال
ابی بکر وعمر الطاع الناس لهما والدنیا علیهما اضیق من شبر فاستعت
علیهما وولیت انت وعثمان الخلافة ولم یطاعوا لکم والدنیا قد استعت
فصارت علیکم اضیق من شبر فقال لان رعیة ابی بکر وعمر کانوا مثلی
ومثل عثمان ورعیتی انا الیوم مثلك وشبهک — ۱۱۱

یعنی حضرت عبیده سلمانی تابعی از حضرت امیر المؤمنین علی کرم الله
تعالی وجهه رسید که آیا بجه سبب مردمان اطاعت ابو بکر و عمر را
قبول کردند و دنیائی که یکو جب بود و سعت یافت و چون نوبت
خلافت بخودت و عثمان رسید از اطاعت شما نفرت نمودند و دنیای وسیع
بر شما از وجب تنک ترکشت حضرت امیر المؤمنین (رض) در جواب
فرمودند که رعیت ابو بکر و عمر چون امثال من و عثمان بودند از انزو
درجه امرای مانیز بهمان حد رسید و رعیت من امثال و اشباه خودت
میداشند پس چرا با آن حد ترقی ننمایم —

ازین اثر مبارک به این نتیجه رسیدیم که ترقیات مادی و معنوی امر
خلافت و سلطنت تابع حالت رعیت است اگر رعایا بصفات حسنه و جوش
و خروش ایمانی متصف و متحلی باشند حالت امارت نیز ترقی میکند
و خلیفه زمان از رعایای خود خدمات مفیده گرفته میتواند و نتایج
عظیمه ترقیات دینیه و دنیویه از مساعی رعایا حاصل میشود و اگر

(۲۲)

تعصبات قومیه و اغراض شخصیه مد نظر افراد رعبه بگردد حالت خلافت و سلطت متغیر شده و در صورت فساد اخلاق افراد رعبه توجه خلیفه زمان منتج فوائد تامه نمیگردد از آنرو هر يك از رعایا را توجه کامل باصلاح حالات شخصیه و اعمال ذاتیه خود فرض عین و عین فرض است .

(۴)

﴿ رفتار مجتهدین دین متین حضرت سید المرسلین (ص) ﴾

(در باب اطاعت اولی الامر : —)

حضرت امام همام اعظم و مقتدای عالم امام (ابو حنیفه کوفی رحمه الله تعالی علیه) که مجتهد مطلق میباشد و مایان افغانیان تابع مذهب و مقلد احکام فقهیه شان میباشد ولادت با سعادت شان در سنه ۸۰ هشتاد هجری و وفات حسرت آیات شان در سنه ۱۵۰ یکصد و پنجاه هجری قدسی است .

حضرت امام اعظم رح معاصر خلیفه ابو جعفر منصور دوانیقی (خلیفه دوم از خلفای عباسیه) بوده اند چون علم و تقوی و زهد و فقاہت حضرت امام شهرت یافت (خلیفه ابو جعفر منصور) اراده نمود که منصب قضای ممالک اسلامیہ را بحضرت امام منووس دارد از آنرو حضرت امام را بحضور خود طلبیده امر نمود که منصب مذکور را قبول نماید حضرت امام چون از حفظ نفسانی کاملاً در گذشته بودند و اشتغال

(۲۳)

و مناصب را محل ادای عبادات و طاعات میدانستند بنابراین در حضور
خلیفه از منصب قضا استعفا نمودند و از مجلس خلیفه مرخص شدند
چون همواره نفری زیادی رای حل مسائل دینی بحضور امام حاضر
میشدند مخالفین و حامدین حضرت امام بسمع خلیفه رسانیدند که امام
ابو حنیفه (رحمة الله تعالی علیه) منصب قضا را قبول نکرد و از منصب
و مرتبت پادشاه ابا نمود مگر در خانه خود مردمان را با احکام و مسائل
فتوی میبهد (خلیفه ابو جعفر منصور) ازین امر رنجیده امر نمود که
(ابولیلی) که عالم فقیه و ما صر حضرت امام بود بمنصب قضای ممالک
مقرر گردد و حضرت امام ابو حنیفه رج بالکل از فتوی موقوف باشد
حضرت امام اعظم رحمه الله تعالی بعد از صدور این امر خلیفه در را
بر خود بسته و مردمان چون بدر برای حل مسائل حاضر میشدند
همگای نزد ابولیلی که بدرجه تلمیذ حضرت امام بود و در علم و عمل با
حضرت امام مساوات نداشت بسبب امر خلیفه ارسال می نمود و در هیچ
مسئله جواب نمیداد تا اینکه شبی دختر حضرت امام که نهایت قدر وند
و پیشتیده حضرت امام بود برای ادای نماز تهجد در نصف شب برخاسته
بعد از تکمیل وضو دندان مبارکش قدری خون شده چون لعاب دهن
را ملا حظه نمود بسبب قلت تغیر رنگ لعاب دهن در نقص وضوی خود
مشبه گردیده در همان نصف شب این بدر منیر بحضور حضرت پدر

(۲۴)

بزرگوار خود حاضر شده کیفیت واقعه را مروض داشت و حل این مسئله را از حضرت امام درخواست نمود حضرت امام که درین وقت شریف بادای نماز جمعه مصروف بودند بنظر عطف و پدرانہ دختر عقیقه عابدہ صالحہ خود را منظور فرموده کریمہ زیاد نمودند و از دختر خود در حل سوال شان عذر خواستند و بر وقت تمام فرمودند که «جگر یارہ من! خلیفہ زمان مرا از فتوی منع فرموده حل سوال ترا بیان نموده نمیتوانم از قاضی ابی لیلی کہ قاضی مملکت و منصوب خلیفہ وقت است حل مطلب خود را بنمائید از نجواب باصواب نحسرا تساب دختر صالحہ عقیقه اش نیز بگریہ در افتاده در دل شب این چراغ و ستارہ دین باهم کریمہ زیاد نمودند حضرت امام فرمودند کہ چون لیاقت منصب قضارا در خود ندیدم در حضور خلیفہ از ان استعفا کردم اما در نیم شب در باب حل سوال جگر یارہ خود برخلاف امر خلیفہ فتوی داده نمیتوانم

سبحان الله ❦ ❦ ❦

چگونه دین متین و چه امامان و تابعان حضرت سید المرسلین علیہ الصلوٰۃ والسلام داریم کہ تقلید و متابعت آثار مبارکہ شان موجب نجات دنیا و عقبای ما است —

ای اولاد وطن دیانت مسکن مقدس رفتار و سلوک مقتدای دین ما و شما حضرت امام اعظم معظم رحمۃ الله تعالی علیہ این بود کہ در نصف شب

(۲۵)

در حل مسئله دینی باد ختر خود برخلاف امر خلیفه فتوی نمیداد
مایان افغانان که الحمد لله والمنة تابعان حضرت امام بوده ایم درین زمان
اخیر که جدائی از قوم و پادشاه خود موجب برکنندن شیرازة حکومت
اسلامیه میکردد چرا در اطاعت و محبت پادشاه خود از سر قدم نسازیم
ورضای اولی الامر خود را برای ترقی دین و دودلت خود چرا
حاصل نداریم : —



(۲۶)

فرمان اعلی حضرت هائیونی

تحریر شب دوشنبه ۲۵ ماه ربیع الاول سنه ۱۳۳۴

عالیجاه فضایل همراه قاضی القضاة را واضح باد

احادیث شریف و بعضی اقوال که درج این رساله

میداشد بدرستی ملاحظه کرده هرگاه مطابق

شرع شریف باشد تصدیق کنید

(سراج الملة والدين)

بزودی ارسال حضور خواهید کرد انشاء الله تعالى



(۲۷)

— ﴿ جواب فرمان اعلیٰ حضرت هایونی ﴾ —

تصدق حضور انور اعلیٰ حضرت هایون والا شوم
در باب رساله اطاعت اولی الامر از سالی حضور هایونی معروض میشود
که در باب اطاعت اولی الامر هر آنقدر که زیادات و دلایل دینیّه تحریر
شود هنوز کمتر است زیرا که اطاعت اولی الامر ثالث اطاعت حضرت
خدا و رسول (ص) می باشد و در امر مباح اطاعت امر شان واجب
میکردد — و بسیار لازم است که درین باب رسایل و توالیف اجرا
و طبع شود — خود این بنده در کاه الله تعالی نیز درین باب عزم مصمم داشتم
که در باب اطاعت اولی الامر دلایل دینی را تحریر دارم مگر بسبب
زیادت مرض در تعویق افتاد این رساله صحیح و واجب العمل است زیاده
اختیار بحضور و الاست باینکه امر اولی الامر فعل مباح را واجب
میکرداند فقط ۞ الٰهی همواره خیر دارین نصیب کناد به برکت محمد صلی الله

علیه وسلم و آله الامجاد و صحبه الاوناد الرافق
(سعد الدین قاضی القضاة)



